

مداقه‌ای در منابع، ابزار، ابعاد و تهدیدات قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سید محمدجواد قربی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۰۵

صفحات مقاله: ۹ - ۵۶

چکیده:

این مقاله در صدد است تا به بررسی مختصات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی بپردازد و در این مسیر، ژئوپلیتیک، تولیدکننده‌ها، ابزارها و منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در پرتو اصول قانون اساسی مورد مذاقه و کنکاش علمی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از این هستند که اولاً، ژئوپلیتیک قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی جهان اسلام قابل شناسایی است؛ ثانیاً، قدرت نرم به‌وسیله‌ی ابزارهایی نظیر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، الهام‌بخشی فرهنگی یا صدور فرهنگی انقلاب، علم و دانش و ارزش‌های سیاسی ترویج می‌شود؛ ثالثاً، بر اساس اصول قانون اساسی، نهادهایی نظیر ولایت فقیه، خانواده، قوه‌ی مجریه و مردم از تولیدکننده‌های اصلی قدرت نرم محسوب می‌شوند؛ رابعاً، منابع قدرت نرم را می‌توان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی مشاهده نمود که برخی از مؤلفه‌های استخراج‌شده، عبارتند از: عدل، رشد فضائل اخلاقی، مبارزه با فساد و تباهی، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی، موازین اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، استقلال فرهنگی، پاسداری از خانواده، وحدت فرهنگی جهان اسلام، نفسی هرگونه ستمگری و سلطه‌پذیری، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، آرای عمومی، استقلال سیاسی، وحدت سیاسی جهان اسلام و حقوق یکسان سیاسی، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت، استقلال اقتصادی، تأمین اجتماعی،

۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی..

تأمین نیازهای اساسی، برنامه‌ی اقتصادی، استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور، و دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان، استفاده از علوم و فنون، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، آموزش و پرورش، تسهیل و تعمیم آموزش عالی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان و خودکفایی در علوم و فنون. تمرکز بر روی مؤلفه‌های فوق‌الذکر و توانمندسازی ملت می‌تواند استحکام ساخت درونی نظام ملی را شکل دهد و اقتدار ملی و ثبات همه‌جانبه را به ارمغان آورد.

* * * * *

واژگان کلیدی

قدرت نرم، قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، ژئوپلیتیک، جهان اسلام، صدور فرهنگی، علم و دانش، ولایت فقیه، رسانه‌های ارتباطی.

مقدمه

به گمان فرانتس نویمان، افزودن اندیشه‌ای جدید به مبحث قدرت سیاسی، امری دشوار و شاید حتی محال می‌نماید. به زحمت کتابی را می‌توان با عنوان قدرت سیاسی یافت، اما تقریباً هر چیزی که در علوم سیاسی نوشته شده، به نحوی با این موضوع سر و کار دارد. اگرچه ادعای نویمان صحیح می‌نماید، اما باید پذیرفت که طرح گفتمان قدرت نرم استثنایی بزرگ برای این مطلب به‌شمار می‌آید که توانست افق تازه‌ای را در بحث از قدرت مطرح سازد. به عبارتی، نرم‌افزارگرایی گفتمانی تازه را شکل می‌دهد که در قالب آن نظریه‌ی قدرت، منابع قدرت و حتی ابزارهای اعمال قدرت مورد بازخوانی و بازتولید واقع شده است. (اسفندیاری و الموتی، ۱۳۹۱: ۱۸۲)

از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ نظریه‌ای در قالب قدرت نرم توسط جوزف نای مطرح شد (جعفری‌پناه و پوراحمدی، ۱۳۹۲: ۹۸) که به‌عنوان یکی از اصول مقابله با کشورها در دنیای امروز مطرح می‌باشد. در این راستا، کشورهای دارای فناوری برتر در قرن حاضر با استفاده از تکنیک‌های رسانه‌ای، کشورهای مسلمان را مورد هجوم رسانه‌ای خود قرار داده‌اند. در قدرت نرم هدف،

اذهان، افکار و ایدئولوژی افراد مطرح می‌باشد. قدرت نرم مؤثرترین، پیچیده‌ترین و در عین حال، کارآترین قدرت‌ها در بین سایر قدرت‌ها علیه ارزش‌ها و امنیت ملی یک کشور محسوب می‌شود. (کرمانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۳) قدرت نرم جذابیتی دارد که به‌واسطه‌ی آن جذابیت، در صورت مخاطب قرارگرفتن، جوامع و کشورها بدون درنگ به سمت آن گام بر می‌دارند. در واقع، خواست عمومی آن کشورها و رفتار عملکردی آنها بدون بهره‌گیری از زور و با تمایل درونی در جهت مزبور شکل می‌گیرد و به این تربیت، نظم عمومی آن کشور در جهت موردنظر آن قدرت نرم تحول پیدا می‌کند. (غمامی و صلاحی، ۱۳۹۱: ۱۱۳) جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های اسلام و تأکید بر مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ و ارزش‌های سیاسی شکل گرفت. این امر ماهیت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران را از دیگر نظام‌ها متفاوت ساخته است. در مفهوم‌سازی اولیه از قدرت نرم، مؤلفه‌هایی مثل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی بیان گردیده است؛ بر این اساس، مؤلفه‌های قدرت نرمی که در اسلام مطرح می‌باشد، متفاوت از آن چیزی است که در مفهوم‌سازی اولیه از این قدرت توسط جوزف نای ارائه شده است. علت این تفاوت در نوع نگاه به قدرت، انسان، اخلاق و خداست. منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی، بر ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، ولایت‌مداری، حق‌گرایی و استقلال‌طلبی استوار است، به‌گونه‌ای که ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی بر روند تحولات خودباوری دینی و بیداری اسلامی در حوزه‌ی پیرامونی خود نیز تأثیرگذار بوده است. (جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۵) یکی از مباحث مهم قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران و سایر نظام‌های سیاسی، شناسایی منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم است که بسیار مهم و حائز اهمیت است. قانون اساسی کشورها از پتانسیل و ظرفیت‌های مطلوبی برای شناسایی و معرفی منابع، ارکان و مؤلفه‌های قدرت نرم هر کشوری محسوب می‌شود. به همین دلیل، این مقاله سعی دارد تا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای به بررسی مختصات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی بپردازد.

اهمیت پژوهش

قدرت از موضوعاتی است که همواره مورد توجه دولت‌ها بوده و برای این‌که بتوانند بر دیگران اثر بگذارند، به‌گونه‌ای که آنها را تغییر دهند و به اهداف و منافع خود دست یابند، به نقش قدرت توجهی ویژه داشته‌اند. امروزه با توجه به انقلاب ارتباطات و هم‌چنین اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی و نقش افکار عمومی در سیاست بین‌الملل، به‌کارگیری قدرت سخت هزینه‌های زیادی در پی دارد؛ بنابراین، دولت‌ها می‌کوشند در سیاست خارجی خود از قدرت نرم به‌منظور مقبولیت و پذیرش بیش‌تر و هم‌چنین کاستن از هزینه‌ها به‌واسطه‌ی مقاومت کم‌تر دیگران استفاده کنند. (Nye, 2004: 6) به عبارتی دیگر، در برهه‌ای که اجماع علمی متفکران اجتماعی، آغاز دوره‌ی گذار از موج دوم تمدنی به عصر اطلاعات را در جهان توسعه‌یافته و گسترش مناسبات عقلانی را در جهان در حال توسعه نوید می‌داد و پایان عصر ایدئولوژی در دهکده‌ی جهانی به‌عنوان رویکرد جدید جهانی اعلام می‌شد، به ناگاه به‌دنبال یک سلسله تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، انقلابی شکوهمند در ایران به‌وقوع پیوست که جهانیان را به دلیل اتکا به قدرت نرم‌افزاری به شگفتی واداشت؛ چرا که با پیروزی این حرکت عظیم انقلابی، قدرت دینی و معنوی نقشی تعیین‌کننده در معادلات سیاسی و تصمیم‌گیری‌های جهانی یافت و ارزش‌های دینی و معنوی و فرهنگی از تأثیرگذاری عمده‌ای در مناسبات و روابط بین‌الملل و نیز تصمیمات جهانی و منطقه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان انقلابی برای خدا و معنویت و ارزش‌ها نه تنها ریشه در اعتقادات اسلامی داشت؛ بلکه محرک و هدف خود را در دین جستجو می‌کرد. اندیشه‌ی انقلاب اسلامی به‌عنوان نمونه‌ای تازه از نظام حکومتی در چشم‌انداز جهانی که از سرچشمه‌ی زلال اسلام ناب نشأت گرفته بود، توانست در زمانی کوتاه مرزهای محدود جغرافیایی را درنوردد و پیام اصلی خود را که همانا مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومتی عادلانه بود، به دورترین نقاط جهان برساند. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی با شکستن انحصارگرایی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل و برهم زدن معادلات جهانی و منطقه‌ای توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت کند و با

شالوده‌ریزی نظم بین‌الملل فارغ از سلطه‌ی قدرت‌های استکباری بر اساس سیاست «نه شرقی نه غربی» بارقه‌ی امید را در دل میلیون‌ها مسلمان و مستضعف جهان بیدار نگه دارد.

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه‌ی محسوس به‌شمار آورد. انقلاب اسلامی ایران از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان عدالت‌خواهانه‌ی خود در صدد برآمد با روش‌های غیرمستقیم به نتیجه‌ی دلخواه و مطلوب یعنی بیداری اسلامی دست یابد. تأیید ارزش‌های انقلاب توسط جنبش‌های آزادی‌بخش، اشاعه‌ی الگوی مردم‌سالاری دینی، استقبال ملل مستضعف و افزایش اشتیاق آنها به نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌ی بین‌الملل، توان متقاعدسازی دیگر ملل از زاویه‌ی توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های آنان، جلب و جذب جهان اسلام به شخصیت رهبری، فرهنگ، ارزش‌ها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌های سنتی برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و مستضعف را می‌توان در زمره‌ی مواردی دانست که جایگاه قدرت نرم را در فرآیند استقرار بنیان‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد. استفاده از قدرت نرم به‌منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که دربرگیرنده‌ی مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است. ارزش‌هایی نظیر مردم‌سالاری دینی و کمک‌های بشردوستانه به نهضت‌های رهایی‌بخش و ارتقای توانمندی‌های علمی و فرهنگی کشور را می‌توان در زمره‌ی موارد اهتمام به قدرت نرم برشمرد. قدرت نرم از آنجا که به صورت آرام و تدریجی حرکت می‌کند، از اثرگذاری بیش‌تر و مداوم‌تری برخوردار است، چراکه می‌تواند با تفسیر سیاست‌های فکری و فرهنگی به ایجاد تغییرات بنیادین و راهبردی یاری رساند. قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی چیزی بیش از ترغیب و یا توانایی تهییج ملت‌ها بوده است؛ چراکه علاوه بر آن دربردارنده‌ی مفهوم توانایی جذب افراد نیز می‌باشد که عموماً به موافقت و رضایت منجر می‌گردد. به بیان دیگر، در روابط مبتنی بر اخلاق، قدرت نرم از توان جذب‌کننده‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که می‌تواند رفتار مردم را با جذابیتی قابل رؤیت اما غیرمحسوس تعیین کند و تغییر دهد.

بهره‌گیری انقلاب اسلامی از جذابیت پیام برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌های اسلامی، استقلالی و ضداستکباری، ترغیب مسلمانان و ملت‌های جهان سوم به همکاری و تشریک مساعی برای دستیابی به هدف مشترک و تبیین فرهنگ و ارزش‌های انقلابی و الگوی توسعه‌ی بومی و درون‌زا حکایت از جذابیت اندیشه‌ی انقلاب اسلامی در صحنه‌ی بین‌المللی داشت، به‌گونه‌ای که توانست بدون مجبور کردن مردم به تغییر رفتار از طریق تهدید و یا پرداخت هزینه، آنها را برای کسب نتیجه‌ی دلخواه و مطلوب جلب و جذب نماید. (دهشیری، ۱۳۸۵: ۷۰-۶۶) در بعد داخلی، مؤلفه‌هایی نظیر وفاق اجتماعی و وحدت ملی، اقتدار سیاسی، مشارکت سیاسی فعالانه‌ی مردم و حضور در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، زندگی مسالمت‌آمیز اقوام گوناگون در سراسر ایران، تبعیت از رهبری در جامعه و ولایت‌مداری، روحیه‌ی ایثار و فداکاری، داشتن فرهنگ‌های راهبردی قوی و منسجم، ارزش‌های دینی و فرهنگی، آداب و رسوم ملی و غیره بر توانمندی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران افزوده است. حال با توجه به اهمیت قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران در سطوح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، شایسته است تا منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مورد مذاقه قرار گیرد و یکی از مهم‌ترین اسناد سیاسی و حقوقی در این زمینه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که هیچ اثر مستقلى در این زمینه انجام نشده و به همین دلیل، پرداختن به این موضوع حائز اهمیت است.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی مقاله عبارت است از این که «مختصات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی شامل چه عناصر، ابعاد و مؤلفه‌هایی می‌باشد؟» روشن است برای پاسخ به این سؤال اصلی لازم است به سؤالات فرعی زیر پاسخ داده شود: «ژئوپلیتیک قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی چگونه ارزیابی می‌شود؟ ابزارهای تولیدکننده‌ی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی کدامند؟ نهادهای تولیدکننده‌ی قدرت نرم در قانون اساسی چه مواردی هستند؟ منابع قدرت نرم در قانون اساسی شامل چه ابعاد و مؤلفه‌هایی

می‌باشند؟ تهدیدات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول قانون اساسی چه مواردی هستند؟»

روش پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر و مذاقه در قانون اساسی از روش تحلیل محتوا و مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای استفاده می‌گردد. به این معنا که در بخش اول برای تبیین مدل مفهومی تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد مرتبط با مفهوم قدرت و قدرت نرم استفاده می‌گردد و در بخش دوم، برای تبیین قانون اساسی و شناسایی مختصات قدرت نرم در این سند حقوقی - سیاسی از روش تحلیل محتوا بهره خواهیم برد. در این بخش، مؤلفه‌های مرتبط با قدرت نرم در متن قانون اساسی شناسایی می‌گردند و بر اساس ارتباط و نقشی که با توانمندسازی قدرت جمهوری اسلامی ایران خواهند داشت، مورد تشریح و تبیین قرار می‌گیرند.

اهداف پژوهش

- ۱) شناخت معنا و مفهوم قدرت ملی و قدرت نرم؛
- ۲) شناسایی ژئوپلیتیک قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۳) تبیین ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۴) شناخت و ارائه‌ی تهدیدات قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۵) ارائه‌ی نهادهای تولیدکننده‌ی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۶) بررسی ابزارهای قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

بن‌مایه‌های مفهومی و نظری

تعریف و مفهوم قدرت/ قدرت ملی

قدرت به مثابه یک کالا همواره دارای جذابیت بوده و خیلی از بازیگران سیاسی خواهان دستیابی به این کالا و خریداری آن هستند. (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۲) قدرت در اصل به توان و

استعداد انسان برای انجام کاری که مطلوب اوست، اطلاق می‌شود. از منظر سیاسی، قدرت عبارت است از عواملی که یک بازیگر را قادر می‌سازد تا رفتار بازیگران دیگر را تحت نفوذ خود قرار دهد. بر این اساس، بازیگران می‌توانند حکومت‌ها، ملت‌ها، کشورها و سایر گروه‌ها را در انجام اقدامی مشخص و یا جلوگیری از آن تحت نفوذ قرار دهند. مفهوم «قدرت» در مرکز تمام تحلیل‌هایی وجود دارد که در عالم سیاست انجام می‌شود و همان‌طور که هانس مورگنتا می‌گوید، همه‌ی سیاست‌ها تلاشی برای کسب قدرت است. اهمیت قدرت و حضور آن در جهان سیاست، به اندازه‌ای است که عده‌ای مانند ولفرز آن را به «نقش پول» در روابط اقتصادی تشبیه کرده و معتقدند قدرت همان کاری را در سیاست بین‌الملل می‌کند که پول در اقتصاد جهانی انجام می‌دهد؛ زیرا کشورها به‌طور دائم برای کسب قدرت تلاش می‌کنند و قدرت برای بقا و حفظ موجودیت آنها ضروری است. به عبارت دقیق‌تر، مبارزه‌ی کشورها برای کسب قدرت، حفظ قدرت و یا نمایش قدرت است. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود و برابری توانایی‌های آن جامعه یا ملت باشد، از آن به قدرت عمومی و کلی تعبیر می‌شود. در این چارچوب، مجموعه انسان‌هایی که ملتی را تشکیل داده‌اند و در شکل یک کشور، سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند، قدرتی دارند که از برابری قوای ترکیب‌شده‌ی آنها به دست می‌آید و آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت می‌توان دانست. به عبارت دقیق‌تر، قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، صفت جمعی افراد یک ملت یا ویژگی کلی یک کشور را منعکس می‌کند که برابری توانایی‌ها و مقدرات آن ملت یا کشور محسوب می‌شود. چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور می‌باشد که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است. قدرت ملی منشأ و مبادی گوناگونی دارد و بر عوامل و منابع گوناگونی تکیه داشته و از آنها ناشی می‌شود. عوامل و منابع اصلی شکل‌دهنده‌ی قدرت ملی کشورها در حوزه‌های مختلفی قرار دارند. بدین ترتیب، عوامل اقتصادی، فردی و شخصیتی، جغرافیایی، علمی و روحانی، اجتماعی و نظایر آن جملگی می‌توانند منشأ قدرت کشورها باشند که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی می‌پردازند. (زرقانی، ۱۳۹۱: ۳-۲) و التراجونز قدرت را توانایی

یک بازیگر صحنه‌ی بین‌المللی در استفاده از منابع محسوس و نامحسوس و امکانات برای تحت تأثیر قراردادن نتایج رویدادهای بین‌المللی توصیف می‌نماید. (جونز، ۱۳۷۳: ۳)

در اسلام، قدرت ملی همان قدرت الله است که در پرتو ایمان مردم در جامعه تجلی می‌یابد و به تعبیری دیگر، قدرت ملی نشان‌دهنده‌ی قدرت آحاد ملت است که در پرتو بیداری و آگاهی (معرفت) به دست می‌آید و از آنجایی که همراه معرفت و آگاهی است، شکننده نبوده و قدرت‌های رقیب توان مقابله با آن را ندارند. علت استحکام قدرت و توانمندی قدرت در جامعه‌ی اسلامی، تقواست.

عاقبت و آینده‌ی قدرت ملی در اسلام، تحصیل حیات طیبه است و کلید موفقیت و تعالی افراد جامعه و امت اسلامی محسوب می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۵۱) فرمانده کل قوا در این خصوص معتقد هستند که «قدرت ملی برای جوامع بشری، کلید همه‌ی کامیابی‌ها و وسیله‌ی لازم برای رسیدن افراد جامعه به حیات طیبه است. مقصود از قدرت ملی آن است که جامعه و کشور، از اخلاق، علم، ثروت، نظام سیاسی کارآمد و عزم و اراده‌ی عمومی برخوردار باشد. درست است که جوامع قدرتمند، اگر فاقد هدایت و نظارت و اجرای عدالت باشند، همان ثروت و علم، آنها را به طغیان خواهد کشانید و اخلاق و اراده‌ی آنان را زایل کرده، مسیرشان را به سمت انحطاط رقم خواهد زد؛ همان‌طور که امروز در کشورهای هم‌چون آمریکا و غیره، نشانه‌های آن دیده می‌شود، ولی فقدان آن توانایی‌ها و اقتدارها، بالای انحطاط اخلاقی و سیاسی را بسی سریع‌تر بر جان کشورها می‌اندازد و دنیا و آخرت و علم و اخلاق و همه‌چیز را از ملت‌ها می‌ستاند. از آن روست که تعالیم سیاسی و اجتماعی اسلام، همه در جهت آن است که ملل اسلامی به اقتدار و سیادت علمی و اخلاقی و سیاسی و روحی و مادی دست یابند؛ و امروز همه‌ی رهبران هوشیار ملت‌های جهان در صدند که از هر امکان و ذخیره‌ای که می‌تواند آنها را قدرتمند کند، بهره‌گیرند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۱/۲۱) با وجود این، باید بیان داشت که نکته‌ی افتراق اصلی میان قدرت ملی در اسلام و غرب، دین به مثابه منشأ و منبع قدرت است؛ به این معنا که دین در گفتمان غربی قدرت، نقشی ابزاری ایفا می‌نماید، ولی در

اسلام و جمهوری اسلامی ایران، دین اسلام و ارزش‌های الهی نیز قلبِ گفتمان قدرت محسوب می‌شوند.

قدرت نرم

در حقیقت، قدرت نرم مفهوم جدیدی است که هرچند سابقه‌ای به درازای تاریخ دارد، اما صرفاً چندین سال است که نظام‌مند و تعریف شده است و بر خلاف قدرت سنتی، به این معناست که مخاطب نه از روی جبر و اکراه، بلکه از رضایتمندی به خواسته‌ی قدرتمند تن در می‌دهد. (گلشن پژوه، ۱۳۹۱: ۱۱۹) با این اوصاف، قدرت نرم موضوعی تازه در علم سیاست به‌ویژه در حوزه‌ی منازعات بشری نیست و ایده‌ی جذابیت به‌مثابه قدرت، قرن‌ها پیش از تبیین نظری آن وجود داشته است، اما به‌صورت جدی، این مفهوم را اولین بار جوزف نای در سال ۱۹۹۰ در کتابی، با نام "تغییر ماهیت قدرت آمریکایی" مطرح کرد و سپس در سال ۲۰۰۴ آن را در کتاب "قدرت نرم: راه موفقیت در سیاست‌های جهانی" بسط داد. پیش از نای، برخی متفکران با عناوینی دیگر از قدرت مبتنی بر جذب سخن گفته‌اند؛ برای نمونه، میان مفهوم قدرت نرم جوزف نای و مفهوم «هژمونی» گرامشی، شباهت وجود دارد و این شباهت در به‌کارگیری مجموعه‌ای کلی از اصول، مانند طرح‌ها، ارزش‌ها و نهادهای مشترکی است که با رضایت یا با عمل قانونی توسط گروه‌های مختلف به‌عنوان منابع قدرت، به‌منظور نفوذ و کنترل دیگران استفاده می‌شوند. (جمشیدی و گهرویی، ۱۳۹۱: ۶۳) برخی از محققان چنین رویکردی نرم‌افزاری پیرامون قدرت را مربوط به عصر استعمار فرانونین ذکر نموده‌اند. (شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۶) در ادامه به بررسی گفتمان غربی قدرت خواهیم پرداخت.

قدرت نرم، در مقایسه با سایر ابزارهای سیاست خارجی، بیش‌ترین تأثیرپذیری را از مؤلفه‌های هویت ملی دارد و به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آمال و یا ارزش‌های اخلاقی به‌صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. از شاخصه‌های سنجش قدرت نرم، میزان برخورداری ساکنان یک سرزمین از اعتماد و سایر مؤلفه‌های مطرح در حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی است. هیچ

ملتی بدون برخورداری از قدرت نرم و ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی توانایی حرکت در مسیر تعالی و کسب اعتبار معنوی در جامعه‌ی جهانی را نخواهد داشت. این اعتماد در دو سطح مردم - مردم و حاکمیت - مردم قابل تجلی و بازتاب است و معطوف به کشف و استخراج این شاخصه‌ها در جوامع می‌باشد. (کرمانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۵)

جوزف نای، قدرت نرم را شیوه‌ای برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس دانسته، معتقد است یک کشور و حاکمیت می‌تواند بر این پایه به مقاصد موردنظر خود برسد؛ زیرا کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند و تحت تأثیر پیشرفت و اندیشه‌ی آن قرار می‌گیرند، و در نتیجه، خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم، مهم‌ترین مسأله، تنظیم دستورالعملی برای جذب دیگران است. بنابراین، قدرت نرم، کسب اهداف موردنظر، از طریق جذب کردن است، نه از طریق اجبار، زور و پاداش. از نظر جوزف نای، منابع قدرت نرم، دربردارنده‌ی سه مؤلفه‌ی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی است. امروزه، از فرهنگ به منزله‌ی مهم‌ترین منبع قدرت نرم نام برده می‌شود. قدرت نرم که گاهی آن را قدرت هنجاری، انگاره‌ای و عقیدتی می‌نامند، بر فرهنگ و ارزش‌ها تکیه دارد. به باور نای، ارزش‌های مثبت سیاسی یک کشور در بعد داخلی و خارجی می‌تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. در بعد داخلی، پاسخ‌گو بودن به مردم، رعایت اخلاق و اجرای عدالت، همگی از ارزش‌های مثبت یک حکومت است. در عرصه‌ی خارجی، هر حکومتی که میزان تعاملات و مناسباتش در عرصه‌ی بین‌الملل و منطقه‌ای با نهادهای دیگر سنجیده‌تر و همگراتر باشد و اختلاف‌ها را به حداقل برساند و به معاهدات بین‌المللی پای‌بند باشد، قدرت نرم آن افزایش می‌یابد؛ زیرا موجب جلب اعتماد دیگران و نشان دادن برآیند مثبت از چهره‌ی یک کشور می‌شود و این امر امروزه در بعد سیاست خارجی، منجر به جذب دیگران و افزایش قدرت و نفوذ یک کشور می‌شود. (جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۷۸) از یک منظر، قدرت نرم زمانی وارد عمل می‌شود که ما بتوانیم دیگران را قانع کنیم تا آنچه را ما می‌خواهیم، انجام دهند؛ بدون این‌که در این راه از زور استفاده کنیم، پاداشی بدهیم یا آنها را اغوا کنیم. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، قدرت نرم نه تنها با اجبار سروکار ندارد، بلکه ربطی به تطمیع نیز ندارد. در

حقیقت، جنس قدرت نرم از دایره‌ی چماق و هویج بیرون است. دیگر این‌که قدرت نرم یک قدرت اقناعی است، نه اغوایی. نای معتقد است قدرت نرم بر قابل اعتماد بودن استوار است و تبلیغات، فاقد این عنصر است. بنابراین، هر آنچه در آن اغوا، فریب و یا عملیات روانی به کار رفته باشد، از حوزه‌ی شمول قدرت نرم خارج خواهد شد. با این توصیف، اقداماتی هم‌چون راه‌اندازی انقلاب‌های مخملین و یا تدارک تهاجم فرهنگی، هرچند می‌توانند از تبعات ثانویه‌ی گسترش نفوذ اقتدار نرم یک کشور در دیگری به حساب آیند، اما ذاتاً در طبقه‌بندی مؤلفه‌های قدرت نرم قرار نمی‌گیرند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۴۴)

قدرت نرم شامل عناصری ریشه‌دار، حقیقی و فاقد گذر زمان می‌شود که در متن فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد یک کشور یافت می‌شوند. (بلیک و گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۱۲۷) به همین دلیل، جوزف نای معتقد است این چهره از قدرت در مقابل رفتار تحکم‌آمیز قدرت قرار دارد که می‌توان آن را قدرت جذب‌کنندگی "قدرت نرم" نامید (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۶) و با این اوصاف، تشویق و یا تهدید مستلزم استفاده از جاذبه‌ها یا جذابیت‌ها می‌باشد که بدون آنها قدرت نرم بر پایه‌ی زور و اجبار و نیز قدرت سخت تحقق‌یافتنی نیست. (امام‌زاده فرد، ۱۳۸۹: ۱۴۴) بنابراین، این نوع قدرت، شیوه‌ای جدید است که یک اقدام‌کننده بدون استفاده از زور به خواسته‌هایش جامعه‌ی عمل می‌پوشاند. از نظر نای قدرت نرم دو توانمندی اساسی دارد، یکی توان جذب و متقاعدسازی و دیگری توان تأمین ایدئولوژی. (هزارجریبی و صارمی، ۱۳۸۹: ۴۹۳) مهم‌ترین منابع قدرت نرم را می‌توان در مواردی نظیر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، سیاست، اقتصاد، صلاحیت در تعیین دستورکار، مهارت‌های ارتباطی و توانایی کسب توافق مشاهده نمود. (مهجوی و باب اناری، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۲)

قدرت نرم در اسلام، متعلق به خالق جهانیان است که به انسان‌های مؤمن واگذار شده است و نظام سیاسی اسلام زمانی دارای قدرت نرم حقیقی خواهد بود که ارتباط حقیقی با الله (ایمان) و مردم را دارا باشد. امام خامنه‌ای در این خصوص چنین می‌فرماید: «دولت جمهوری اسلامی با دو عامل ارتباط واقعی با خدا و توجه مردم دارای یک اقتدار حقیقی است.» (بیانات

مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۰۶/۰۸) از این‌رو، معنویت، ایمان و ارتباط با خداوند که جزو هسته‌ی مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم محسوب می‌شود. (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۲) البته قدرت نرم از یک جهت در مرکز ثقل امنیت قرار می‌گیرد و قدرت ملی با امنیت ملی نوعی وابستگی متقابل دارند. اگر قدرت ملی را در معنای عمومی آن مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌های کشور بدانیم که هدف مستقیم آن تأثیرگذاری بر رفتارها، حوادث و اشیا به‌منظور حفظ یا توسعه‌ی ارزش‌ها و اهداف آن کشور باشد، رابطه‌ی تنگاتنگ آن با امنیت ملی مشخص می‌شود. در واقع، در مرکز مفهوم امنیت ملی می‌توان قدرت و ارزش را مشاهده کرد؛ قدرت به اعتبار جنبه‌ی ابزاری و ارزش به‌عنوان جنبه‌ی غایی. به همین دلیل، قدرت را می‌توان به‌عنوان یک ارزش که حفاظت و مراقبت از آن اهمیت دارد، مورد توجه قرار داد. بنابراین، بقای قدرت ملی و جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن از بالاترین ارزش‌های هر واحد سیاسی است. (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۷: ۸) از این‌رو، امورات جاری مردم نیازمند تأمین امنیت است که توسط اعمال قدرت حاکمیت تحقق می‌یابد.

قدرت نرم در گفتمان اسلامی نیز ترجمان قدرت معنوی یا قدرت توحیدی است که بر خلاف سایر مکاتب غربی و شرقی، نجات انسان‌ها و تعالی مادی و معنوی ملت‌های آزاده و امت واحده‌ی اسلامی را مدنظر دارد که بر روی پایه‌ی مستحکم عقیده و ایمان استوار است. به اعتقاد فرماندهی کل قوا، «هدف قدرت معنوی، نجات انسان در زندگی مادی، نجات انسان از لحاظ زندگی انسانی و نجات در زمینه‌های معنوی است. نظام جمهوری اسلامی بر این پایه‌های قدرت بنا شد. این نظام، متکی به قدرت معنوی و متکی به ایمان و متکی به پایه‌های مستحکم عقیده است. آن فکری که امروز نظام جمهوری اسلامی پایه‌اش بر آن قرار گرفته است، یک فکر متین، منطقی، محکم، مستدل و غیرقابل خدشه است. ایمان آحاد مردم، عشق آنها به خدا، به اولیای خدا، به پیامبر، به خاندان پیامبر؛ این بزرگ‌ترین سرمایه و بزرگ‌ترین ابزار و مایه‌ی قدرت برای این کشور است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۸/۲۲)

قانون اساسی به مثابه منشور قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سه عنصر کلیدی پرهیزگاری، عدالت و حقیقت می‌باشد و همین مؤلفه‌ها حاکی از این مهم هستند که تمرکز قانون اساسی بر ابعاد سخت‌افزاری قدرت نیست، بلکه توازن و هماهنگی میان ابعاد سخت و نرم قدرت وجود دارد و قوای سه‌گانه با همیاری و مساعدت مردم از قدرت نرم برخوردار هستند و بر این اساس، الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران را تأثیرگذارتر می‌سازد.

وجود مؤلفه‌های ذکر شده در اصول قانون اساسی و حاکمیت ارزش‌های دینی در این سند حقوقی، می‌توان این سند را به مثابه منشور قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت: «امروز هم ملت ما به دنبال تحقق آرمان‌های اسلامی است که در درجه‌ی اول، عدالت و معنویت و آزادی- به معنای حقیقی اسلامی- و استقلال کشور از شر قدرت‌های بیگانه و متجاوز خارجی است. اینها چیزهایی است که ملت ما دنبال آن است، برای آن فداکاری کرد و بعد از این هم برای آن فداکاری خواهد کرد. ملت باید مراقب و هوشیار باشد تا دشمن نتواند با روش‌های مودیان، چه امنیتی، چه سیاسی و چه تبلیغاتی، در صفوفش نفوذ کند. منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما. همه‌ی چیزهایی که برای اداره‌ی امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۰۹/۰۱)

مختصات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در متن قانون اساسی

ژئوپلیتیک قدرت نرم در قانون اساسی

ترکیب سه مؤلفه‌ی جغرافیا، قدرت و سیاست، الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کند و ژئوپلیتیک علم مطالعه‌ی این سه بعد و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها است (هرسیج و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۳۰) و بخشی از یک فن قدیمی است که در شکل کلاسیک خود بر جغرافیا عامل تعیین‌کننده‌ی اصلی تولید امنیت و قدرت توسط دولت در عرصه‌ی بین‌الملل تأکید دارد. از دیدگاه سنتی، محل استقرار یک کشور، همسایگان آن،

محورهای ارتباطی و منابع فیزیکی، عواملی تغییرناپذیر و مصالحی بنیادی تلقی می‌شوند که اعمال یک دولت را محدود می‌کنند، اما باید این نکته را نیز خاطر نشان کرد از آنجا که در قرن حاضر مؤلفه‌های قدرت نیز از شکل سنتی خود خارج شده و با شاخص‌های دیگری سنجیده می‌شوند، طبیعتاً جهت دستیابی به قدرت فقط توجه به ژئوپلیتیک کشور نمی‌تواند راهگشا باشد؛ بلکه توجه به جایگاه ژئواکونومی نیز باید مدنظر قرار گیرد و این امر در مورد کشور جمهوری اسلامی ایران نیز صادق می‌باشد. در قلمروهای ژئواکونومی و ژئوپلیتیک جدید، ایران دارای نقش حیاتی به خصوص در منطقه‌ی غرب آسیا به طور اعم و خلیج فارس به طور اخص است؛ زیرا تنها کشوری است که از امکانات ویژه‌ای برای بازیگری در خلیج فارس برخوردار است، بر سراسر کرانه‌ی شمالی آن تسلط دارد و از لحاظ ژئوپلیتیکی باید رهبری آن را در دست داشته باشد. (افشار، ۱۳۹۱: ۱۰۹) در مقدمه‌ی قانون اساسی آمده است: «برخی ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده‌ی اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است.» (منصور، ۱۳۸۶: ۱۳ و کمالان، ۱۳۸۸: ۲۹) چنین نگرشی نشان‌دهنده‌ی گستره‌ی ژئوپلیتیک قدرت نرم در قانون اساسی است که شامل حوزه‌ی جهان اسلام و امت واحد می‌گردد و نگرشی فرامکانی به قدرت دارد و کشورهای اسلامی و به عبارتی دارالسلام را مدنظر دارد. به این ترتیب، در مقدمه‌ی قانون اساسی، رسالت قانون اساسی محدود به عرصه‌ی ملی نمی‌گردد، بلکه جنبش‌های اسلامی و مردمی را شامل می‌شود. به عبارتی دیگر، قانون اساسی برای نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان طراحی شده است و این چنین آمده است: «رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر مستکبران بود، زمینه‌ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحدی جهانی را هموار کند (ان هذمه امتکم امه واحد و اناریکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون

اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم).» (منصور، ۱۳۸۶: ۱۹) در اصل یازدهم به وضوح می‌توان ژئوپلیتیک قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را جهان اسلام معرفی نمود: «به حکم آیه‌ی کریمه‌ی "ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون"، همه‌ی مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه‌ی ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به‌عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.» (اصل یازدهم قانون اساسی) با این اوصاف، می‌توان بیان کرد که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی در محیطی فرامنطقه‌ای تبیین شده است و کشورهای اسلامی را دربر می‌گیرد.

نهادهای تولیدکننده‌ی قدرت نرم در قانون اساسی

با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به برخی از منابع تولیدکننده‌ی قدرت نرم دست یافت که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نهاد ولایت فقیه

امام یا ولی فقیه محور جامعه‌ی اسلامی است که ضامن حکومت الهی خواهد بود و در عین حال، حفظ نظام اسلامی با تدبیر وی امکان‌پذیر خواهد شد. (نک: صهبا، ۱۳۹۱: ۲۷۶-۲۷۰) همان‌طور که در مقدمه‌ی قانون اساسی آمده است، طرح حکومت اسلامی بر پایه‌ی ولایت فقیه ارائه گردیده (منصور، ۱۳۸۶: ۱۸) و در ادامه یادآور می‌شود که «بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه‌ی تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به‌عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد.» (مقدمه‌ی قانون اساسی) در اصل دوم تأکید شده است که «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه‌ی ایمان به امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.» (اصل دوم قانون اساسی) این نقش

رهبری در تداوم آرمان‌های انقلاب اسلامی و تثبیت پایه‌های قدرت ملی از طریق ایجاد هماهنگی و وحدت کلمه میان مسئولان تحقق می‌یابد که ولی فقیه در رأس این هرم قرار دارد: «ترکیب قانون اساسی ما، راه‌حل مشکلات را معین کرده و رهبری را به‌عنوان محور، در نقطه‌ی مرکزی همه‌ی مسئولان قرار داده است. این امکان و فرصت بسیار بزرگی است تا مسئولان بتوانند با وحدت کلمه، با همدیگر کار کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۲/۰۸/۱۳۸۰)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه و هدایت امور مملکت توسط ایشان زمینه‌ساز تعالی و رشد همه‌جانبه‌ی جامعه‌ی ایرانی خواهد بود و منجر به رفع تهدیدات خواهد شد. در عین حال، ارزش‌های مندرج در قانون اساسی با تبعیت از ولی فقیه تحقق خواهد یافت و یکی از این ارزش‌ها، توانمندی جمهوری اسلامی ایران افزایش قدرت نفوذ در سطح جهانی و منطقه‌ای است.

بر اساس اصل دوم قانون اساسی، وظیفه‌ی رهبر اسلامی یا نهاد ولایت فقیه است که نقش محوری را در تداوم انقلاب اسلامی دارد و قاعدتاً ادامه‌ی روند انقلاب اسلامی منوط به سخت‌افزارگرایی نیست و این مسیر با مدیریت نرم‌افزارانه به پیش خواهد رفت. با این اوصاف، ولایت فقیه از ارکان اصلی تولید قدرت نرم در قانون اساسی محسوب می‌گردد؛ زیرا بر اساس اصل یکصد و هفتم قانون اساسی، رهبری در جامعه‌ی اسلامی، ولایت امر و همه‌ی مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده دارد (اصل یکصد و هفتم) و در عین حال، به موجب اصل یکصد و هشتم قانون اساسی، رهبر وظیفه‌ی «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» را دارد و به موجب این اصل، رهبر اسلامی می‌تواند با گزینش سیاست‌ها و راهبردهای نرم‌افزاری و ابلاغ آنها به قوای سه‌گانه، بسترهای ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را ارتقا بخشد.

در نقطه‌ی مقابل، نظام جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌ی عملی نظریه‌ی ولایت فقیه است؛ بدین معنا که طرح نظریه‌ی ولایت فقیه و ارائه‌ی عملی حکومت اسلامی، نمودی از پیوند ناگسستنی دین و سیاست را از یک فرضیه‌ی ناآزموده، به نظریه‌ای عملی و سیاسی قابل اجرا

ارتقا داد. فوکویاما در یک سخنرانی بیان می‌دارد که «در بین تمامی مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت فقیه بوده و همین امر، شیعه را تهدیدناپذیر کرده است.» (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۷) بنابراین، ولی فقیه نعمتی الهی است که بنای مستحکم جمهوری اسلامی را حفظ خواهد نمود و همین امر، مهم‌ترین عنصر و پایه‌ی قدرت نرم در جامعه‌ی توحیدی و متعالی است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «آن دست ملکوتی و الهی که اصل ولایت فقیه را در قانون اساسی گذاشت، فهمید چه کار می‌کند... تا وقتی که این اصل نورانی در قانون اساسی هست و این ملت از بن‌دندان به اسلام عقیده دارند، توطئه‌های اینها ممکن است برای مردم دردسر درست کند؛ اما نخواهد توانست این بنای مستحکم را متزلزل کند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳) در عین حال، باید توجه داشت یکی از مهم‌ترین وظایف ولی فقیه که تأثیر مستقیمی بر قدرت ملی و ارتقای گفتمان نرم‌افزاری قدرت در حکومت اسلامی دارد، تنظیم سیاست‌های کلی نظام است.

نهاد قوه‌ی مجریه

نهادهای حکومتی و اطلاعاتی می‌توانند نقش مؤثری در ارتقای قدرت نرم داشته باشند (گلشن پژوه، ۱۳۹۱) و قوه‌های مجریه، مقننه و قضائیه با توجه به کارکردهای شان در قانون اساسی می‌توانند تولیدکننده‌ی قدرت نرم باشند و با عملکرد صحیح خود می‌توانند به تقویت و بازتولید قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران کمک شایانی نمایند.

اقتدار و قدرت ملی در جامعه‌ی اسلامی در یک بعد خود، نیازمند تعامل و همکاری متقابل و هم‌سوی قوای سه‌گانه است و هر کدام از آنها باید با قاطعیت به انجام امور وظایف خویش بپردازند: «اقتدار ملی به دو عنصر اصلی نیاز دارد: یکی این‌که همه‌ی افراد وظایف خودشان را با قاطعیت انجام دهند؛ دوم این‌که قوای سه‌گانه با هم همکاری کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۰۱/۰۱)

در این میان، دولت یا قوه‌ی مجریه از پتانسیل‌های مناسبی برای تقویت ابعاد و منابع نرم‌افزاری قدرت برخوردار است. ابتدای قانون اساسی در باب قوه‌ی مجریه چنین آمده است:

«قوه‌ی مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه‌ی حاکم بر جامعه دارد و هم‌چنین ضرورتی که این مسأله‌ی حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت، بایستی راه‌گشای ایجاد جامعه‌ی اسلامی باشد.» (مقدمه‌ی قانون اساسی، ۱۳۸۶: ۲۳)

در اصل سوم برای دولت مجموعه‌ای از وظایف تعریف شده است که می‌تواند با اجرای آنها، قدرت نرم را ارتقا ببخشد؛ در این اصل آمده است که «دولت باید همه‌ی امکانات خود را برای امور زیر به‌کار گیرد: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه‌ی مظاهر فساد و تباهی، بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده‌ی صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری، تقویت کامل بنیه‌ی دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها، تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه‌ی مردم، تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.» (اصل سوم قانون اساسی) قاعدتاً با انجام امور فوق‌الذکر توسط

دولت یا قوه‌ی مجریه، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران افزایش و تقویت می‌شود و در همین راستا، می‌توان بیان داشت که شرط دولت کریمه و قدرتمند، پیروی از قانون اساسی است.

مردم: پایگاه اجتماعی دولت

سرمایه‌های اجتماعی از منابع اصلی تولید قدرت نرم محسوب می‌گردند (نای و زلیکو، ۱۳۸۹) و مردم از جمله این سرمایه‌ها می‌باشند. اشخاصی مانند اسپایکمن تأکید دارند که مردم و جمعیت از عناصر اصلی قدرت ملی نظام سیاسی محسوب می‌شود. (جواری، ۱۳۸۷: ۴۰) در سیاست داخلی، همراه کردن مردم و افزایش مشروعیت نظام سیاسی و افزایش اعتماد مردم به مسئولان نیز اصلی‌ترین کاربرد قدرت نرم خواهد بود و در سیاست خارجی، افزایش اعتبار بین‌المللی و همراهی دیگر ملت‌ها گامی در راستای دستیابی به سیاست‌های خارجی است. به عبارتی دیگر، مردم در نظام اسلامی یکی از قابلیت‌های غلبه بر چالش‌ها می‌باشند و از همین طریق، مشارکت مردمی در امور کشور نیز ارتباط مستقیمی با ارتقای قدرت نرم دارد. (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۱۱۰) مردم در نظام اسلامی به مثابه «کمر بند تأمین مستحکم نظام سیاسی» مورد توجه بوده و نقش کلیدی در تولید قدرت نرم اسلامی، حفظ و افزایش ضریب تأثیر آن در جامعه برخوردار هستند و در قانون اساسی بر آنها تأکید شده است: «نظام اسلامی یعنی ترکیب قانون اساسی. روش‌های اجرایی و عملیاتی این نظام، در خود قانون اساسی هست و به‌طور واضح در وصیت‌نامه و سیره و بیانات امام بزرگوار وجود دارد. مهم‌ترین وظیفه این است که از کمر بند تأمین بسیار مستحکم ملت ایران که هویت جمعی ما را به وجود می‌آورد- یعنی نظام اسلامی- با همه‌ی وجود پاسداری کنیم.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۲/۱۰/۱۳۸۰) نقش مردم در قانون اساسی را می‌توان در ابتدای آن مشاهده نمود: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌ی ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه‌ی مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده‌ی همه‌ی

قشرهای مردم تبلور می‌یافت، این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه‌ی این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبد.» (مقدمه‌ی قانون اساسی، ۱۳۸۶: ۱۳)

بنابراین، قانون اساسی تجلی اراده‌ی مردم است و مردم به مثابه ولی نعمتان نظام سیاسی (تعبیر امام خمینی^(ره)) محسوب می‌شوند و بر اساس بند هشتم از اصل سوم قانون اساسی، مردم باید در سرنوشت خویش فعالیت نمایند: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه‌ی امکانات خود را برای «مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» (اصل سوم قانون اساسی) به‌کار گیرد و در اصل ششم آمده است که «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود.» (اصل ششم قانون اساسی) بنابراین، مردم در نظام سیاسی اسلام از کنشگران اصلی سیاست، اقتصاد و اجتماع محسوب می‌شوند و به‌وسیله‌ی عملکرد خویش می‌توانند قدرت ملی را تقویت نمایند. این قدرت‌افزایی مردم در پرتو وحدت ملی، وفاق اجتماعی و محبت اسلامی در جامعه تحقق می‌یابد. در این راستا، پیوستگی و وحدت مردم حول قانون اساسی و احکام مقدسه‌ی مندرج در آن می‌تواند وحدت ملی را تقویت نماید. در عین حال، باید توجه داشت که مردم‌سالاری و حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان که تقویت‌کننده‌ی پایه‌های قدرت خواهد بود، در سایه‌ی اسلام و اصول قانون اساسی تحقق خواهد یافت.

قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیوندی عمیق با مردم‌سالاری دینی دارد و اصل اسلام‌گرایی در نظام سیاسی ایران، مترادف با اجرایی شدن خواست و اراده‌ی مردم است و همین عنصر مردم‌گرایی و اهمیت به آرای مردم، تقویت‌کننده‌ی ساخت نظام اسلامی و قدرت نرم خواهد بود: «در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنمایی‌های امام خمینی^(ره)، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است... اسلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست. مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه‌ی اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم نظام اسلامی، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم‌سالاری ما که مردم‌سالاری

دینی است، دارای فلسفه و مبناست. چرا باید مردم رأی دهند؟ چرا باید رأی مردم دارای اعتبار باشد؟ این متکی بر احساسات توخالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست؛ متکی بر یک مبنای بسیار مستحکم اسلامی است. پس یکی از عرصه‌هایی که امام خمینی همواره بر آن تأکید می‌کرد و آن را در ساخت نظام اسلامی کار گذاشت و برای همیشه آن را ماندگار کرد، مسأله‌ی حضور مردم در انتخاب مسئولان نظام و منتهی شدن مسئولیت‌ها به اراده و خواست مردم است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۰۳/۱۳۸۰)

نهاد خانواده

با توجه به قانون اساسی «خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده‌ی انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است، زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیئی بودن) و یا (بزار کار بودن) در خدمت اشاعه‌ی مصرف‌زدگی و استثمار خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه‌ی خطیری و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌مرزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه، پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.» (مقدمه‌ی قانون اساسی، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۱) اهمیت خانواده به حدی است که در اصل دهم قانون اساسی به پاسداشت و تقویت آن دستور داده شده است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی است، همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه‌ی حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» (اصل دهم قانون اساسی)

در همین راستا، خانواده از پتانسیل‌های مناسبی در مسیر تحقق اهداف نظام اسلامی برخوردار است و ضمن تحقق بخشیدن به تمدن نوین اسلامی، می‌تواند سبک زندگی اسلامی و انسان‌سازی را به نحو احسن انجام دهد (حاج‌حسینی، ۱۳۹۱: ۱۷۸) و با پرورش نیروهای مکتبی و ارزشی و فعالیت در میادین مختلف می‌تواند بسترهای ارتقای قدرت نرم را فراهم آورد.

تعلیم و تربیت اسلامی در مهد خانواده‌ها، پرورش انسانی، آموزش سنن اسلامی، تقویت نمودن اراده‌ی ملی، ارتقای روحیه‌ی همیاری و همبستگی ملی، ترویج ارزش‌های اساسی نظام سیاسی و حمایت از حرکت‌های عمومی به‌وسیله‌ی خانواده‌ها، این نهاد را به کانون قدرت نرم تبدیل کرده است و هرگونه تزلزل در آن زمینه‌های استحاله‌ی ارزشی و فرهنگی را به همراه دارد و به تبع آن، تزلزل در پایه‌های قدرت نرم روی خواهد داد.



ابزارهای تولید قدرت نرم در قانون اساسی

با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به برخی از ابزارهای تولیدکننده‌ی قدرت نرم رسید که می‌توانند بر اشاعه‌ی قدرت و گستره‌ی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و جهان اسلام بیفزایند و از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الهام‌بخشی و صدور انقلاب

الهام‌بخشی و صدور فرهنگی انقلاب عبارت است از تشریح و ترویج اهداف، آرمان‌ها، آموزه‌ها و گفتمان انقلابی به مردمان مشتاق است؛ به‌طوری که مقوله‌ی الهام‌بخشی بیش از

آن‌که ناشی از عرضه از سوی جمهوری اسلامی ایران باشد، معلول تمنا و تقاضای ملل دیگر برای شناخت و الگوبرداری از انقلاب اسلامی می‌باشد و از این‌رو، الهام‌بخشی انقلاب اسلامی متضمن ایجاد اشاعه‌ی ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام رهایی‌بخش و آزادی‌بخش آن به انسان‌های علاقمند می‌باشد. (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲۰) از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی موازین شرعی و اسلامی تدوین شده است و چون اسلام مقوله‌ای جهان‌شمول است و به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود، قانون اساسی نیز توجه ویژه‌ای به مسائل خارج از مرزها نموده و اهداف و رسالت جهانی اسلام در آن به نحوی بارز نشان داده شده است و صدور فرهنگی انقلاب به‌عنوان یک اصل در سیاست خارجی پذیرفته شده و در قانون اساسی بر آن تأکید شده است. در مقدمه‌ی قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر مستکبران است، زمینه‌ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌الملل بار دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحده‌ی جهانی را هموار کند و استمرار و مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.» (قانون اساسی، ۱۳۸۶: ۱۹) هدف اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز به کار حکومت جدید، تبیغ پیام الهی و الهام‌بخشی در زمینه‌های ارزشی و فرهنگی منبعت از آموزه‌های والای انسانی و الهی بود و این هدف در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان جهت تحقق و تبلیغ پیام الهی در سراسر گیتی معین کرده است. در حقیقت، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وضوح نشانگر وجه اسلامی سیاست خارجی پویاست که هدفش اتحاد دنیای اسلامی و گسترش حاکمیت خداوندی در روی زمین است. در فصل دهم قانون اساسی و در چهار اصل مواضع و اصول کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. در اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی، ضمن توجه کافی به صدور فرهنگی و الهام‌بخشی آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با

دول غیرمخرب استوار است.» (اصل یکصد و پنجاه و دوم) هم‌چنین در اصل یکصد و پنجاه و چهارم بر برخورداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر و حمایت از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفان در برابر مستکبران در جهان تأکید شده است.

حمایت از مستضعفان و تلاش برای تحقق وحدت میان مسلمانان از نظر جمهوری اسلامی ایران این نیست که با استفاده از زور، ملت‌ها را تحت حاکمیت نظام اسلامی درآورد، بلکه در پی آن است که با ایجاد الهام‌بخشی در زمینه‌ی وحدت فکری و روحیه‌ی برادری و برابری بین مسلمانان و ملت‌های محروم شرایطی را به‌وجود آورد تا آنها خود علیه نظام جور قیام کرده و زمینه‌ی تشکیل حکومت مطلوب را فراهم آورند. (یزدانی و اخجسته، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۰) الهام‌بخشی با اشاعه‌ی مبانی فرهنگی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران، نزدیکی کشورهای اسلامی، تقویت همگرایی میان کشورهای مشترک‌المنافع، تقویت گفتمان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و غیره می‌تواند قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را بیش از گذشته تقویت نماید.

وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی و فناوری اطلاعات یکی از ابزارهای مهم تولید قدرت نرم محسوب می‌شود (سجادپور و زاده علی، ۱۳۹۱: ۸۳) و علت این امر را می‌توان در نقش حیاتی رسانه‌ها در میزان افزایش مشارکت، انسجام، اعتماد، وفاداری ملی و در نهایت، افزایش مشروعیت سیاسی مشاهده نمود. (قدسی، ۱۳۹۰: ۷۵) در مقدمه‌ی قانون اساسی در ذیل عنوان وسایل ارتباط جمعی چنین آمده است: «وسایل ارتباط جمعی (مانند رادیو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه، از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره‌جویند و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضداسلامی جداً پرهیز کنند.» (مقدمه‌ی قانون اساسی، ۱۳۸۶: ۲۳) چنین نگرشی به وسایل ارتباط جمعی می‌تواند بسترساز تقویت قدرت ملی گردد؛ زیرا: اول این‌که اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی را به همراه دارد، دوم این‌که در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی گام بر می‌دارد، سوم این‌که به ترویج خصلت‌های موردنظر جمهوری اسلامی ایران و مقابله با خصلت‌های

تخریبی می‌پردازد. این موارد بر تقویت فرهنگ و قدرت نرم فرهنگی نظام سیاسی اثر مثبتی دارد؛ و از آنجایی که به موجب اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، صدا و سیما باید «رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور» (اصل یکصد و هفتاد و پنجم) را تأمین نماید.

علم و دانش

نظام معرفتی، علمی و دانایی، یکی از فناوری‌های قدرت است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰) و تولید علم و دانش یکی از مؤلفه‌ها و ابزارهای قدرت نرم محسوب می‌شود. امروزه بر خلاف گذشته، کشوری قوی‌تر است که از لحاظ تولید علم قدرتمندتر باشد. صرفاً داشتن منابع اولیه و جمعیت یا مساحت سرزمین باعث قدرتمندی یک کشور نمی‌شود. امروزه سلاح اصلی کشورها و زبان رقابت آنها دانش است که در هیچ محدوده‌ی جغرافیایی محدود نمی‌شود. در نتیجه، دانش و تولید علم، بیانگر قدرت نرم‌افزاری یک کشور است. ایران بعد از انقلاب، به‌ویژه بعد از جنگ تحمیلی، مانند دیگر کشورهای دنیا برای توسعه و بقای خود وارد رقابت علمی شد و از نیروی بالقوه‌ی جوانان بهره جست. (جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰) به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، علم مایه‌ی اقتدار و قدرت ملی است؛ زیرا علم تولیدکننده‌ی ثروت، فناوری، قدرت نظامی و سیاسی است. البته باید توجه داشت که در دیدگاه اسلامی، علم باید با ایمان همراه باشد. به عبارتی دیگر، هدف آن نیز دستیابی به اصول و آرمان‌های اسلامی و تعالی افراد باشد. پس «آنچه که در درجه‌ی اول در ایجاد قدرت ملی مهم است، به نظر من دو چیز است: یکی علم است، یکی ایمان. علم مایه‌ی قدرت است؛ هم امروز و هم در طول تاریخ؛ در آینده هم همین‌جور خواهد بود. این علم یک‌وقت منتهی به یک فناوری خواهد شد، یک‌وقت هم نخواهد شد. خود دانش مایه‌ی اقتدار است؛ ثروت‌آفرین است؛ قدرت نظامی‌آفرین است؛ قدرت سیاسی‌آفرین است. یک روایتی هست که می‌فرماید: العلم سلطان. علم، قدرت است: من وجده صال به و من لم یجد صیل علیه: یعنی مسأله، دو طرف دارد: اگر علم داشتید، می‌توانید سخن برتر را بگویید، دست برتر را داشته باشید... پس کسی که علم دارد، او دست

برتر را بر روی شما خواهد داشت؛ در مقدرات شما دخالت می‌کند؛ در سرنوشت شما دخالت می‌کند. یکی هم ایمان است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳/۱۱/۱۳۸۸)

به موجب اصل دوم قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور کسب حوائج خویش باید «استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته‌ی بشری و تلاش در پیش‌برد آنها» (بند ششم اصل دوم قانون اساسی) را مدنظر قرار دهد و در این مسیر، به موجب اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف است که امکانات خود را برای «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده‌ی صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر» (اصل سوم قانون اساسی) به کار گیرد.

در عین حال، بندهای اصل سوم قانون اساسی به تقویت بنیه‌ی علمی و دانش در کشور اشاره دارند. به طور مثال، دولت موظف است که کارهایی نظیر آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛ تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛ و تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی را انجام دهد. (اصل سوم قانون اساسی) بر اساس اصل سی‌ام قانون اساسی، «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره‌ی متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.» (اصل سی قانون اساسی) و علت این‌که دولت موظف به تأمین نیازهای آموزشی شهروندان است را می‌توان در اصل چهل و سوم جست؛ زیرا در این اصل آمده است که آموزش و پرورش جزو نیازهای اساسی مردم است. البته غیر از این امر، تولید علم و دانش، سواد و تحصیلات و رشد محیط علمی در کشور، قدرت ملی نظام سیاسی را ارتقا می‌بخشد و توان نرم‌افزاری را می‌افزاید. در عین حال، علوم و فنون می‌تواند قدرت نیمه‌سخت را که بستری برای توان نرم‌افزاری کشور است، تقویت نماید. بر اساس اصل صد و چهل و سوم قانون اساسی، پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی (مؤلفه‌های قدرت نیمه‌سخت) منوط به استفاده‌ی علوم و فنون و تربیت افراد گردیده است.

ارزش‌های سیاسی

تأکید بر ارزش‌های سیاسی (مولایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹-۵۸) مانند خدامحوری، اخلاق‌محوری، اجرای عدالت و ولایت‌پذیری که ریشه در فطرت پاک آدمی دارد، از مؤلفه‌های اساسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید. نظام اسلامی ایران کوشیده است با به‌کارگیری و رعایت حداکثری ارزش‌های سیاسی، جایگاه و اقتدار خود را در داخل و سطح بین‌الملل ارتقا دهد. (جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۵) به همین دلیل، دشمنان جمهوری اسلامی ایران سعی نموده‌اند تا ارزش‌های حاکم بر جامعه‌ی ایرانی نظیر حکومت اسلامی، ولایت فقیه، احکام اسلامی و غیره را مخدوش سازند. در مقابل این اقدامات، پای‌بندی به اصول و ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی که مندرج در قانون اساسی است، می‌تواند تهدیدات و جنگ نرم دشمنان را خنثی نماید و توانمندی ساخت درونی نظام را ارتقا بخشد؛ زیرا قدرت حقیقی جمهوری اسلامی ایران ناشی از قدرت دین و احکام دینی است. از منظری دیگر، ایمان و توحید رمز موفقیت قدرت ملی و ایجاد بنیان مرصوص در جامعه‌ی ایرانی است که حمایت از آنها، اقتدار، عزت و سلامت جامعه را به همراه خواهد داشت. به تعبیر امام خامنه‌ای، «هدف اصلی دشمنان چه دشمنان خارجی، چه دشمنان دورو و منافق داخلی عبارت است از نفی حکومت دینی و حکومت اسلام. اصل قضیه برای اینها این است و به کم‌تر از این هم راضی نیستند. اینها می‌دانند تا وقتی که قدرت در دست دین و احکام دینی است، تا وقتی که مقررات مجلس شورای اسلامی باید طبق دین باشد، تا وقتی این قانون اساسی هست که این قانون اساسی منطبق بر دین است در این کشور نمی‌توانند کاری بکنند. تا وقتی مسئولان کشور به مبانی دین و اسلام و فقهت پای‌بندند، اینها کاری نمی‌توانند بکنند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۲/۰۱)

با بررسی اصول قانون اساسی می‌توان به ارزش‌های انسانی - ارزشی بسیاری دست یافت که در جای‌جای قانون اساسی وجود دارند و بر اساس ظرفیت‌های بالقوه‌ی خود توان تولید قدرت را دارند. به‌طور مثال، می‌توان به ارزش‌هایی نظیر ایمان به خدای یگانه (اصل دوم)، نفی ستمگری و ستم‌کشی (اصل دوم)، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی (اصل چهارم)، فضائل

اخلاقی (اصل سوم)، تعهد برادرانه (اصل چهارم)، وحدت سیاسی (اصل یازدهم)، قسط و عدل اسلامی (اصل چهاردهم)، همبستگی ملی (اصل دوم)، امر به معروف و نهی از منکر (اصل هشتم) و غیره اشاره نمود که هر کدام می‌توانند با کارویژه‌هایی که دارند، بر توانمندی قدرت جمهوری اسلامی ایران بیفزایند.



منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی

منابع قدرت نرم در قانون اساسی را می‌توان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی مشاهده نمود و بر اساس این مؤلفه‌ها، قدرت نرم تقویت می‌گردد. به اعتقاد امام خامنه‌ای، استحکام پایه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تقویت مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مندرج در قانون اساسی است و در این مسیر، کوتاهی و عملکردهای نامناسب زمینه‌های تضعیف استحکام ساخت درونی قدرت ملی را فراهم می‌کند. با این اوصاف، تأمین قدرت و امنیت نرم در جامعه که سعادت و تعالی همگانی را به ارمغان خواهد آورد، مشروط به تبعیت از آرمان‌ها و اهداف اسلامی است که در قانون اساسی ایران متبلور شده است: «نظام پایه‌های مستحکم و خطوط روشنی دارد. استدلال و منطقی که

پشت سر خطوط اصلی نظام وجود دارد، غیرقابل خدشه است. مسئولان و کارگزاران بخش‌های گوناگون نظام اسلامی، اعم از قوه‌ی مقننه یا مجریه یا قضائیه یا نیروهای مسلح یا هر کس در هر گوشه‌ای مشغول کار است، باید ضعف‌های خود را برطرف کنند. راه به سعادت رساندن این ملت، اجرای اصولی است که امام بزرگوار ترسیم کرد؛ در قانون اساسی تثبیت شد و ملت وفاداری خود را به آنها بارها اعلام کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۰۳/۱۳۸۱) برخی از این منابع قدرت نرم در قانون اساسی که تقویت‌کننده‌ی قدرت نرم و استحکام درونی نظام می‌شوند؛ به شرح زیر می‌باشند:

منابع فرهنگی قدرت نرم

یکی از منابع قدرت نرم فرهنگ است. فرهنگ به لحاظ تأثیرگذاری در حوزه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند رفتار بخش‌های مختلف اجتماع را تحت تأثیر قرار دهد و جامعه را به گروه‌های متعدد در اجتماع تقسیم و هر کدام را دارای فرهنگ خاص خود قرار دهد. رفتار و سبک زندگی آحاد جامعه می‌تواند بر اساس فرهنگ پذیرفته‌شده و مقبول اجتماعی تنظیم گردد. (جاودان، ۱۳۹۰: ۶)

پایه‌های فرهنگی قدرت نرم بسیار حائز اهمیت می‌باشند و در میان این میراث فرهنگی قوی می‌توان به مؤلفه‌هایی نظیر ایمان، توکل، مواریت اسلامی و فرهنگی اشاره داشت که از عناصر اصلی تولیدکننده‌ی قدرت در گفتمان توحیدی قدرت می‌باشند که هیچ‌کدام از آنها در سلول قدرت در گفتمان شیطانی و غربی قدرت یافت نمی‌شود.

فرهنگ، عناصر ارزشی و مسائل اجتماعی در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منابع اصلی قدرت نرم محسوب می‌شوند و برخی از این منابع عبارتند از:

- عدل (اصل اول)؛
- رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا (اصل سوم)؛
- مبارزه با کلیه‌ی مظاهر فساد و تباهی (اصل سوم)؛

- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه‌ی مردم (اصل سوم)؛
- موازین اسلامی (اصل چهارم)؛
- دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر (اصل هشتم)؛
- استقلال فرهنگی (اصل نهم)؛
- پاسداری از خانواده (اصل دهم)؛
- وحدت فرهنگی جهان اسلام (اصل یازدهم)؛
- اسلام (اصل دوازدهم)؛
- زبان و خط فارسی (اصل پانزدهم)؛
- حقوق یکسان فرهنگی و اجتماعی (اصل بیستم)؛
- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او (اصل بیست و یکم).

منابع سیاسی قدرت نرم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زمینه‌های استحکام سیاسی و ارتقای قدرت ملی را بر اساس اصول و قوانین مترقی و جامعه منبعت از اسلام فراهم آورده است و به اعتقاد امام خامنه‌ای: «بنیان و پایه‌ی سیاسی کشور مستحکم است. بر اساس قانون اساسی بسیار خوب و مترقی و جامع و همه‌جانبه‌ی ما، بنیان سیاسی کشور بسیار مستحکم است. اشکال کار، در عملکردها و کوتاهی‌هاست؛ این کوتاهی‌ها باید بر طرف شود.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۰۳/۰۷/۱۳۸۱) علی‌رغم موضوع فوق، منابع سیاسی قدرت نرم در قانون اساسی عبارتند از:

- حکومت حق (اصل اول)؛
- نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری (اصل دوم)؛
- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب (اصل سوم)؛

- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون (اصل سوم)؛
- مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود (اصل سوم)؛
- تقویت کامل بنیه‌ی دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور (اصل سوم)؛
- تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون (اصل سوم)؛
- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان (اصل سوم)؛
- آرای عمومی و انتخابات (اصل ششم)؛
- استقلال سیاسی (اصل نهم)؛
- وحدت سیاسی جهان اسلام (اصل یازدهم)؛
- حقوق یکسان سیاسی (اصل بیستم).

منابع اقتصادی

اقتصاد در مقدمه‌ی قانون اساسی برای جامعه‌ی ایرانی این‌گونه ترسیم شده است: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه هم‌چون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه، برنامه‌ی اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه‌ی مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت، تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه‌ی افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر

عهده حکومت اسلامی است.» (مقدمه‌ی قانون اساسی) با توجه به این نکته، منابع اقتصادی قدرت نرم در قانون اساسی عبارتند از:

- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی (اصل سوم)،
- ایجاد نظام اداری صحیح (اصل سوم)،
- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه (اصل سوم)،
- استقلال اقتصادی (اصل نهم)،
- وحدت اقتصادی جهان اسلام (اصل یازدهم)،
- حقوق یکسان اقتصادی (اصل بیستم)،
- امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل (اصل بیست و هشتم)،
- تأمین اجتماعی (اصل بیست و نهم)،
- خدمات و حمایت‌های مالی (اصل بیست و نهم)،
- ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت (اصل چهل و سوم)،
- تأمین نیازهای اساسی (اصل چهل و سوم)،
- برنامه‌ی اقتصادی (اصل چهل و سوم)،
- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور (اصل چهل و سوم)؛
- دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و حفظ استقلال همه‌جانبه (اصل یکصد و پنجاه و دوم).

منابع علمی قدرت نرم

با بررسی دقیق تأکيدات صورت گرفته در قرآن مجید بر ماهیت دانش اندوزی و تفکر به راحتی می توان متوجه این موضوع شد که در دین اسلام اهمیت علم و حوزه‌های مختلف نظیر به دست آوردن علم، آموزش آن به دیگران، تطبیق علوم با مفاهیم ارائه شده از سوی خداوند متعال در قرآن کریم و زدودن آن از آنچه با مفاهیم و اصول ارائه شده در کتاب خدا و احادیث نبوی و سخنان ائمه‌ی اطهار منطبق نمی شود و از همه مهم تر تأکید بر گام نهادن در راستای به دست آوردن دانشی که مورد نیاز جامعه‌ی اسلامی می باشد و عدم دسترسی به آن، موجبات وابستگی جامعه‌ی اسلامی به بیگانگان به ویژه دشمنان اسلام را فراهم می کند، نه تنها کم تر از عبادت و جهاد در راه خدا نمی باشد، بلکه بر اساس کلام خداوند و احادیث موجود، دارای ارزشی بسیار والا می باشد. (مرادیان، ۱۳۸۷: ۷) با این اوصاف، در دنیای امروز، معیار و ماهیت قدرت کشورها به میزان تسلط آنها به علوم و فناوری‌ها بستگی دارد و هر کشوری بدون تسلط بر علم و فناوری به ناچار باید تابع و پیرو قدرت‌های بزرگ قرار گیرد. از آنجا که در جهان امروز قدرت‌های جهانی، روحیات و تمایلات استکباری و منشأهای اومانیستی دارند، حضور جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام ماهیت دینی، انقلابی و الهام بخش ملت‌های تحت سلطه را تحمل می کنند و همه‌ی تلاش خود را برای حذف یا تغییر ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران نه تنها در عصر حاضر، بلکه در آینده نیز نیازمند قدرتمندی است که تنها با دستیابی به آخرین دستاوردهای علوم و فناوری حاصل می شود. (مبینی دهکردی، ۱۳۸۷: ۱۳) دستیابی به این علوم و فناوری جدید، اقتدار علمی را به ارمغان خواهد آورد و هدف از آن، شکوفا کردن ایده‌های مکنون یک ملت برای رسیدن به قله‌ی برتری دانش است؛ و تنها راه فائق آمدن بر موانع مزبور جدید در آموزش است و در همین راستا، نوآوری و مرزشکنی علمی از اهمیت ویژه‌ای در توسعه‌ی قدرت ملی کشورها برخوردار است. (عصاریان نژاد و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۱)

به اعتقاد رهبر معظم انقلاب اسلامی، «یکی از راه‌های برجسته‌ی خدمت به کشور، از راه علم است؛ ... علم مایه‌ی اقتدار ملی، مایه‌ی قدرت کشور، مایه‌ی ثروت کشور و مایه‌ی

سربلندی هر کشوری است.» (نک: خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۱۱-۲۹۳) در همین راستا، منابع علمی قدرت نرم در قانون اساسی عبارتند از:

- استفاده از علوم و فنون (اصل دوم)،
- استفاده از تجارب پیشرفته‌ی بشری (اصل دوم)،
- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی (اصل سوم)،
- آموزش و پرورش (اصل دوم و سی‌ام)،
- تسهیل و تعمیم آموزش عالی (اصل سوم)،
- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان (اصل سوم)،
- تأمین خودکفایی در علوم و فنون (اصل سوم)،
- استعانت از علوم و معارف اسلامی (اصل شانزدهم).

منابع قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران			
منابع فرهنگی	منابع سیاسی	منابع اقتصادی	منابع علمی
عدل رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا مبارزه با کلیه‌ی مظاهر فساد و تباهی، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه‌ی مردم، موازین اسلامی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، استقلال فرهنگی، پاسداری از خانواده، وحدت فرهنگی جهان اسلام، اسلام و آموزه‌های الهی، زبان و خط فارسی، حقوق یکسان فرهنگی و اجتماعی، ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی بانوان.	حکومت حق، نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، تقویت کامل بنیه‌ی دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور، تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان، آرای عمومی و انتخابات، استقلال سیاسی، وحدت سیاسی جهان اسلام، حقوق یکسان سیاسی.	رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، ایجاد نظام اداری صحیح، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت، استقلال اقتصادی، وحدت اقتصادی جهان اسلام، حقوق یکسان اقتصادی، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل، تأمین اجتماعی، خدمات و حمایت‌های مالی، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت، تأمین نیازهای اساسی، برنامه‌ی اقتصادی، استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور، دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و حفظ استقلال همه‌جانبه.	استفاده از علوم و فنون، استفاده از تجارب پیشرفته‌ی بشری، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، آموزش و پرورش، تسهیل و تعمیم آموزش عالی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان، تأمین خودکفایی در علوم و فنون، استعانت از علوم و معارف اسلامی.

تهدیدات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با ابتنای بر قانون اساسی

تهدیدات قدرت نرم را می‌توان تهدیدی دانست که باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی گردد. تهدید نرم نوعی اعمال قدرت با روش‌های نرم‌افزارانه در ابعاد سه‌گانه‌ی حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق تأثیر بر اندیشه و الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری بازیگر مهاجم، محقق می‌شود. (بلیک و گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۲۵) با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به مواردی دست یافت که تزلزل در آنها به مثابه تهدیداتی است که توان قدرت ملی ایران را کاهش می‌دهد؛ از جمله‌ی این تهدیدات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱) کاهش نقش وحی الهی در نظام سیاسی،
- ۲) کاهش نقش مستمر رهبری و امامت،
- ۳) تضعیف فرهنگ اسلامی،
- ۴) تضعیف بنیه‌ی دفاع ملی،
- ۵) گسترش فقر و رفاه‌طلبی، کاهش تعاون و برادری در جامعه،
- ۶) ضایع شدن حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی مردم،
- ۷) بی‌توجهی به امر به معروف و نهی از منکر،
- ۸) تضعیف موقعیت و کارکرد خانواده‌ی اسلامی در سطح جامعه،
- ۹) وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی - اجتماعی،
- ۱۰) تضعیف برنامه‌های توسعه،
- ۱۱) رواج تبعیض در جامعه،
- ۱۲) تزلزل در استقلال سیاسی،
- ۱۳) کاهش شتاب رشد علمی و فنون و پیشرفت،
- ۱۴) بی‌توجهی به انتخابات و مشارکت مردمی،

- ۱۵) عدم رعایت آزادی‌های سیاسی،
 ۱۶) رعایت نکردن قوانین مدنی،
 ۱۷) گسست در همبستگی ملی،
 ۱۸) تخریب فضائل اخلاقی نظام سیاسی،
 ۱۹) عدم توجه به مصائب و مشکلات امت اسلامی،
 ۲۰) برآورده نشدن نیازهای اساسی شهروندان و ...

تأثیر معنویت بر تولید قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

«اتکال به قدرت لایزال الهی در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی» (سندچشم انداز بیست ساله) عنصر اصلی تولید قدرت نرم جامعه‌ی ایرانی خواهد بود. قدرت نرم اسلامی نیازمند استحکام ساخت درونی نظام است (سبحانی‌فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۸) و حرکت به سوی هدف‌های آرمان‌های نرسیم‌شده در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران، نیاز دارد تا ساخت قدرت ملی که دارای چهره‌ی سخت و نرم است، تقویت شود: «در پیشرفت به سمت هدف‌های آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدف‌ها را دنبال کنیم و چشم به این آرمان‌ها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به‌کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰) در این میان، معنویت و ایمان از ارکان اصلی مستحکم‌سازی جامعه و ایجاد بنیان مرصوص خواهند بود. در همین راستا، معنویت و ارزش‌های دینی منبعث از آموزه‌های اسلام ناب‌محمدی در قانون اساسی موج می‌زند و به عبارتی، «در قانون اساسی، بیش‌تر از همه چیز، نقش اسلام و منبعیت و منشئیت اسلام برای قوانین و ساختارها و گزینش‌ها مطرح است... قانون اساسی میثاق بزرگ ملی و دینی و انقلابی ماست. اسلام که

همه‌چیز ما اسلام است، در قانون اساسی تجسم و تبلور پیدا کرده است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹)

معنویت بر دو پایه‌ی اصلی معرفت و ایمان استوار است. یک فرد یا جامعه‌ی معنوی، در واقع یک فرد یا جامعه‌ی ایمانی است. عملکرد ملی در یک جامعه‌ی معنوی، تحت تأثیر همین رابطه بین جامعه و خداوند شکل می‌گیرد. منابع فکری، نظام ارزشی و یا منابع ذهنی یا ایدئولوژی حاکم در یک کشور، نقش اساسی در عملکرد ملی داشته و در یک جامعه‌ی معنوی و ایمانی، منابع فکری و نظام ارزشی بر اساس ایمان و معنویت شکل می‌گیرد. فرآیند تأثیرگذاری و نقش معنویت در تولید قدرت ملی و توانمندی نرم‌افزاری کشور به این صورت است که در یک کشور اسلامی و برخوردار از نظام دینی که در آن ایمان و معنویت حاکم باشد، عملکرد ملی در حوزه‌های مختلف، کاملاً متفاوت از دیگر نظام‌ها و جوامع خواهد بود. در واقع، بین نظام باورها و نظام عملکردها پیوستگی عمیقی وجود دارد. در جامعه‌ی معنوی، دین اسلام، جهت‌گیری‌های اساسی و کلان را مشخص می‌کند. در نظام فکری نشأت‌گرفته از ایمان دینی، حفظ خود اسلام، قرآن و ارزش‌های دینی و الهی در اولویت اول قرار داشته و مؤمنین، حتی با بذل مال و جان خود باید در این مسیر تلاش کنند. بنابراین، عملکرد ملی در یک کشور معنوی، در واقع تلاش عمومی با هدایت نظام سیاسی دینی به سوی خدایی شدن خواهد بود. این عملکرد ملی تحت تأثیر همان ایمان و یا معنویت است که خداوند در قرآن کریم به طرق گوناگون ضرورت چنین جهت‌گیری و عملکرد فردی و جمعی را برای مؤمنین واقعی بیان فرموده است. آیات زیر فقط نمونه‌هایی در این راستا می‌باشد: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)، «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)، «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّيْ وَأَفْرَادِي» (سبا: ۴۶)، «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) و «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵) این‌گونه است که در یک کشور اسلامی با نظام و حکومت دینی، عملکرد ملی به‌عنوان عامل اصلی تولید قدرت ملی، همواره به صورت گسترده و عمیق از ایمان و معنویت تأثیر می‌پذیرد. ایمانی که خداوند را کانون اصلی قدرت دانسته و مؤمنین را

در مسیر لقاءالله به حرکت در می‌آورد و در این راستا، مؤمنین همواره از نصرت و یاری این کانون قدرتمند و توانا بر هر چیزی برخوردارند. (جواری، ۱۳۸۷: ۵۱-۴۹) به تعبیر فرماندهی کل قوا، «راه پیروزی نهایی و کامل ملت ایران این است که این خط مستقیم، خط ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به خود، ایمان به قدرت ملی، اعتماد به نفس ملی و راه حرکت و مجاهدت در همه‌ی اشکالش؛ مجاهدت علمی، مجاهدت عملی و آنجایی که لازم است، مجاهدت نظامی، و ایمان و جهاد را از دست ندهند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹) بر همین اساس، باید سعی نمود تا ارزش‌ها و اصول اسلامی مندرج در قانون اساسی را تقویت کرد؛ زیرا گسترش اسلام و ایمان در جامعه، ایمنی حقیقی را به همراه خواهد داشت؛ به‌گونه‌ای که خوف، هراس، ناامنی و تهدیدات پیچیده نظیر فتنه، جای خود را به امید، اطمینان، آسایش، رفاه و امنیت خواهند داد.

در چنین کشوری بر اساس فرهنگ اسلامی حاکم، وحدت ملی بر مبنای آموزه‌های دینی و ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد و مردم بر اساس اعتقادات دینی با مشارکت بالای سیاسی، حاکمیت و دستگاه‌های حکومتی را حمایت می‌کنند. در جامعه‌ی سیاسی دینی، معنویت از یک طرف تولید قدرت سیاسی می‌کند و از طرف دیگر، قدرت سیاسی را کنترل می‌نماید. کنترل قدرت از انحراف و عامل فساد گشتن آن به‌وسیله‌ی معنویت، خود عامل تقویت قدرت سیاسی می‌گردد. در دوران غیبت بر اساس نظریه‌ی ولایت فقیه، حاکمیت الهی از طریق ولی فقیه موردقبول مردم اعمال می‌گردد. قدرت سیاسی با محوریت ولایت فقیه، کشور اسلامی را به‌دلیل هم‌سویی قدرت سیاسی با قدرت اجتماعی به یک کشور پر قدرت از نظر قدرت ملی تبدیل می‌کند. مهم‌ترین کارکردهای معنویت در افزایش قدرت نرم‌افزاری در عرصه‌ی سیاست را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

- هم‌سویی و هم‌هدفی قدرت سیاسی با قدرت اجتماعی برای تحقق حاکمیت الهی و اجرای شریعت و پیش‌برد کشور اسلامی؛
- قدرت سیاسی منافع و مصالح عمومی مسلمانان را در نظر می‌گیرد و برای تحقق آن تلاش می‌کند؛

- رهبران و دولتمردان خود را خادم مردم دانسته و کمک به مردم و حل مشکلات آنها را وظیفه‌ی الهی می‌دانند؛
 - معنویت عامل اصلی در جلوگیری از فساد در قدرت سیاسی می‌گردد؛
 - تبعیت مردم از حاکمیت به‌ویژه ولایت‌فقیه بر اساس اعتقادات دینی، امری واجب می‌باشد؛
 - حاکم اسلامی و دولتمردان در همه‌ی عرصه‌ها و به‌ویژه در هنگامه‌ی خطر در صف مقدم هستند؛
 - بر اساس اصل پیوند دین و سیاست، مشارکت سیاسی یک وظیفه‌ی دینی تلقی شده و مردم در تمامی صحنه‌ها حضور می‌یابند و از حاکمیت دینی حمایت می‌کنند. (جوانی، ۱۳۸۷: ۵۵)
 - بر اساس قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، نظامی است بر پایه‌ی ایمان به:
 - خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛
 - وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛
 - معاد و نقش سازنده‌ی آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛
 - عدل خدا در خلقت و تشریح؛
 - امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛
 - کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا. (اصل دوم قانون اساسی)
- بنابراین، طبق قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران یک جامعه‌ی معنوی و ارزش‌مدار است که در عصر غیبت به‌وسیله‌ی «فقیه عادل و با تقوا» (اصل پنجم قانون اساسی؛ حسینی نیک، ۱۳۹۱: ۱۱۳) هدایت می‌شود و کلیه‌ی امور در این حکومت بر اساس «موازین اسلامی» (اصل چهارم) صورت می‌گیرد و چنین امری سبب پیوند قدرت سیاسی با قدرت اجتماعی می‌شود و در نهایت امر، قدرت نرم را ارتقا می‌بخشد. یکی از تلاش‌های مهم حکومت اسلامی بر طبق قانون اساسی، رشد «ایمان و تقوا» (اصل سوم) در جامعه است. چنین اعتقادی در قانون اساسی، زمینه‌های عملکرد دینی را به‌وجود می‌آورد و در پرتو ایمان‌گرایی و خداباوری در جامعه، مشارکت برای برپایی «قسط و عدل» (اصل

دوم قانون اساسی) صورت می‌پذیرد و حرکت مردم برای ترویج معنویت امری مهم محسوب می‌گردد، همان‌گونه که در اصل هشتم آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. "والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر."» (اصل هشتم قانون اساسی) از آنجایی که بر اساسی قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران یک جامعه‌ی ارزشی و ایمانی است، همین امر یک نوع تکلیف برای مردم ایجاد می‌نماید که در امور سیاسی و حکومتی مشارکت نمایند و به موجب اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف است که تمام امکانات خود را برای «مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (اصل سوم) به‌کار گیرد. قاعدتاً چنین مشارکتی که به‌وسیله‌ی عموم ملت صورت می‌گیرد، نقش حامی برای نظام سیاسی دارد و قدرت نظام سیاسی را افزایش می‌دهد، زیرا از پشتوانه‌های مردمی برخوردار است.

در نهایت، باید اذعان داشت معنویت و ایمان در جامعه، پشتیبانی و حمایت خالق هستی را به همراه دارد و همین امر، زمینه‌ساز شکست قدرت‌های استکباری علیه قدرت توحیدی خواهد شد و این نعمت بزرگی است که در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دارد: «نظام مرتبط با معنویت و ایمان، معنایش این است: نظامی که پشتوانه‌ی عظیم مردمی، آرا، عواطف، پشتیبانی و کمک مردم را دارد؛ ایمان، معنویت، برادری و هماهنگی، اتکال به خدا و ایمان به غیب را هم دارد. آن، نتیجه‌اش می‌شود این. علی‌رغم این همه توطئه و مخالفتی که با این ملت شد؛ با این محاصره‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی، این ملت توانسته است یکی پس از دیگری، دولت‌هایش را حمایت کند و دولت‌ها توانسته‌اند این‌گونه کشور را از لحاظ عمران و آبادی و از جهات سیاسی و آبروی بین‌المللی و اقتدار ملی پیش ببرند. اینها آن ارزش‌هایی است که کشور ما دارد و بحمدالله، دولت‌های ما، همه از آن برخوردار هستند و خواهند بود. این مظهر نعم بزرگ الهی و همان دست قدرتی است که عرض کردم خدای متعال دائماً در پشتیبانی این نظام داشته است و خواهد داشت.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۵/۱۲)

نتیجه‌گیری و راه‌کارهای پیشنهادی

بر اساس قانون اساسی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی جهان اسلام قابل شناسایی است و این قدرت نرم به وسیله‌ی ابزارهایی نظیر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، الهام‌بخشی فرهنگی یا صدور فرهنگی انقلاب، علم و دانش و ارزش‌های سیاسی ترویج می‌شود. در عین حال، بر اساس اصول قانون اساسی، نهادهایی نظیر ولایت فقیه، خانواده، قوه‌ی مجریه و مردم از تولیدکننده‌های اصلی قدرت نرم محسوب می‌شوند. با مذاقه و بررسی قانون اساسی، منابع قدرت نرم را می‌توان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی مشاهده نمود و برخی از این منابع عبارتند از: اول منابع فرهنگی: عدل، رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا، مبارزه با کلیه‌ی مظاهر فساد و تباهی، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه‌ی مردم، موازین اسلامی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، استقلال فرهنگی، پاسداری از خانواده، وحدت فرهنگی جهان اسلام، اسلام، زبان و خط فارسی، حقوق یکسان فرهنگی و اجتماعی و ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛ دوم منابع سیاسی: حکومت حق، نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، تقویت کامل بنیه‌ی دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور، تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان، آرای عمومی، انتخابات، استقلال سیاسی، وحدت سیاسی جهان اسلام و حقوق یکسان سیاسی؛ سوم منابع اقتصادی: رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، ایجاد نظام اداری صحیح، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت، استقلال اقتصادی، وحدت اقتصادی جهان اسلام (اصل یازدهم)، حقوق یکسان اقتصادی، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل، تأمین اجتماعی، خدمات و حمایت‌های مالی، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت،

تأمین نیازهای اساسی، برنامه‌ی اقتصادی، استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور، و دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و حفظ استقلال همه‌جانبه؛ چهارم منابع علمی: استفاده از علوم و فنون، استفاده از تجارب پیشرفته‌ی بشری، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، آموزش و پرورش، تسهیل و تعمیم آموزش عالی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان، تأمین خودکفایی در علوم و فنون. برای این‌که جمهوری اسلامی ایران بتواند قدرت نرم خود را حفظ نماید و بر دامنه‌ی تأثیر آن بیفزاید، لازم است که اقداماتی مناسب را اتخاذ نماید و برای آینده برنامه‌ریزی نماید. به همین دلیل، در ادامه برخی از پیشنهادات در راستای تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود: مدیریت تهدیدات نرم، حفظ از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و بومی، درونی کردن ارزش‌ها و تعالیم دینی، تقویت الهام‌بخشی فرهنگی، گسترش فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در کشور، ارتقای مراودات فرهنگی با کشورهای منطقه و دارای اشتراکات مذهبی- فرهنگی، رصد علمی تهجمات خاموش، حمایت از طرح‌های کلان فرهنگی، تهیه‌ی مراکز آسیب‌شناسی و آینده‌پژوهی مسائل فرهنگی، اهمیت دادن به تعلیم و تربیت اسلامی در تمامی نقاط کشور، افزایش دادن فعالیت‌های قرآنی در کشور، تقویت نهاد خانواده و تلاش برای آموزش و تربیت خانواده‌ها، تولید برنامه‌های تلویزیونی در راستای اهداف متعالی و مذهبی، فراهم کردن شرایط ازدواج جوانان، تقویت دیپلماسی فرهنگی، ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، تنظیم برنامه‌ها و اسناد فرهنگی میان‌مدت، اجرایی کردن بندهای فرهنگی برنامه‌های توسعه، رفع محرومیت و فقرزدایی، توجه به نیازهای اساسی جوانان و رفع حوائج ابتدایی آنها، تأمین حداقلی رفاه عمومی، اشتغال‌زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای دانشجویان، افزایش دادن سطح مشارکت مردم در مسائل کشوری، تعامل سازنده با کشورهای مشترک‌المنافع، تقویت توان علمی کشور، تلاش برای دستیابی به اهداف ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ترویج فرهنگ اسلامی در کشورهای منطقه، تقویت انجمن‌های دوستی میان ایران و کشورهای منطقه، تلاش برای ایجاد ثبات اجتماعی و غیره.

منابع

فارسی

- ۱- اسفندیاری، حامد و محمد الموتی (۱۳۹۱)، «قدرت نرم در سیره سیاسی- اجتماعی پیامبر اعظم»، مقالات کنگره ملی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم، دانشگاه امام صادق^(ع).
- ۲- افشار، فرحناز (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر جایگاه ژئوپلیتیک و ژئوآنومومی در مؤلفه‌های قدرت ملی ایران»، فصلنامه رهنامه سیاست گذاری، سال سوم، بهار، شماره ۱.
- ۳- امامزاده فرد، پرویز (۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست: از دوران باستان تا زمان معاصر»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، بهار، شماره ۷.
- ۴- بلیک، ژانت و محمودرضا گلشن پژوه (۱۳۸۹)، «قدرت نرم، تهدید نرم: پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، تابستان، شماره ۵۵.
- ۵- بیگدلو، مهدی و محسن مرادیان (۱۳۹۱)، «ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، تابستان، شماره ۳.
- ۶- پیشگاهی فرد، زهراء و دیگران (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، زمستان، شماره ۶۱.
- ۷- جاودان، رضا (۱۳۹۰)، «منابع قدرت نرم»، روزنامه رسالت، سال نهم، تیرماه، شماره ۷۳۲۵.
- ۸- جعفری پناه، مهدی و حسین پوراحمدی (۱۳۹۲)، «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، بهار و تابستان، شماره ۸.
- ۹- جعفری پناه، مهدی و منصور میراحمدی (۱۳۹۱)، «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی»، فصلنامه معرفت سیاسی، سال چهارم، پائیز و زمستان، شماره ۲.
- ۱۰- جمشیدی، محمدحسین و رسول گهروی (۱۳۹۱)، «جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین: تبیینی بر کاربرد قدرت نرم در عراق نوین در راستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، زمستان، شماره ۴.

- ۱۱- جوانی، بدالله (۱۳۸۷)، «نقش معنویت در تولید قدرت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال یازدهم، تابستان، شماره‌ی ۳۹.
- ۱۲- جونز، والتز (۱۳۷۳): منطق روابط بین الملل، ترجمه داود حیدری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۳- حاج‌حسینی، معصومه (۱۳۹۱)، «برآورد استراتژیک جایگاه زن و خانواده در جنگ نرم»، در مجموعه زن و خانواده، جلد ۱، تهران، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
- ۱۴- حسینی‌نیک، سیدعباس (۱۳۹۱)، سالنامه و اطلاعات حقوقی ایران، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۵- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، تهران، مؤسسه انتشارات فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۱۶- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، روش‌های علم: مروری بر بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۷- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، حیات طیبه: گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حرم مطهر امام رضاع، تهران، انتشارات معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی و مرکز مطالعات راهبردی رهافت ولایت.
- ۱۸- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵)، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه حضور، تابستان، شماره‌ی ۵۷.
- ۱۹- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰)، «فناوری‌های قدرت در جنگ نرم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، بهار، شماره‌ی اول (پیاپی ۵۱).
- ۲۰- زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱)، «سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، تابستان، شماره‌ی ۲.
- ۲۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲)، سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۲۲- سبجانی‌فر، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۱)، اندیشه‌های دفاعی فرمانده معظم کل قوا با نگرشی بر مکتب دفاعی اسلام، تهران، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).
- ۲۳- سجادی‌پور، محمدکاظم و مهدی‌زاده علی (۱۳۹۱)، «اجرای سیاست خارجی، قدرت نرم و ارتباط»، فصلنامه قدرت نرم، سال دوم، پائیز و زمستان، شماره‌ی ۷، صص ۹۷-۸۱.
- ۲۴- سنجابی شیرازی، جهانبخش (۱۳۸۹)، «مفهوم‌شناسی و تبارشناسی قدرت و جنگ نرم: اصول و روش‌های رویارویی با آن در منابع علمی»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی، سال اول، زمستان، شماره‌ی ۲.
- ۲۵- شجاعی، هادی و دیگران (۱۳۹۳)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در برجسته شدن موضوع قدرت نرم در روابط بین‌الملل»، ماهنامه معرفت، سال بیست و سوم، مرداد ماه، شماره‌ی ۲۰۰.

- ۲۶- عسگری، محمود (۱۳۸۹)، «رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸.
- ۲۷- عصاریان‌نژاد، حسین و دیگران (۱۳۸۷)، اقتدار علمی و اقتدار ملی (نقدی بر مفاهیم و کارکردهای توسعه و اقتدار علمی)، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۲۸- عصاریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی: شاخص‌ها و ابعاد، تهران، انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- ۲۹- غمامی، سیدمحمد مهدی و سهراب صلاحی (۱۳۹۱)، «قدرت نرم نظم اساسی جمهوری اسلامی ایران در تحقق آرمان وحدت اسلامی»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، تابستان، شماره ۶.
- ۳۰- قدسی، امیر (۱۳۹۰)، «نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم، با تأکید بر بازتولید سرمایه اجتماعی»، فصلنامه قدرت نرم، سال اول، تابستان، پیش‌شماره ۲.
- ۳۱- کرمانی، بتول محمود مولایی و دیگران (۱۳۹۱)، «تبیین جامعه‌شناختی مؤلفه‌های قدرت نرم اسلام»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، بهار، شماره ۵.
- ۳۲- کمالان، سیدمهدی (۱۳۸۸)، هندبوک کاربردی قوانین و مقررات حقوقی-کیفری، تهران، انتشارات کمالان.
- ۳۳- گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۹۱)، «نقش سازمان‌های اطلاعاتی در ارتقای قدرت نرم کشور»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۵۶).
- ۳۴- گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی منابع و ابزارهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، تابستان، شماره ۲۴.
- ۳۵- مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۷)، طراحی الگو و راهبرد مرزشکنی دانش، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۳۶- مرادیان، محسن (۱۳۸۷)، گفتگوی علمی کنگره سراسری اقتدار علمی-اقتدار ملی (مجموعه گفتگوها)، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۳۷- مرکز صهبا (۱۳۹۱)، ولایت و حکومت: بیانات مقام معظم رهبری درباره ولایت و حکومت، تهران، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی و مرکز صهبا.
- ۳۸- منصور، جهانگیر (۱۳۸۶)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دوران.
- ۳۹- موسوی، صدرالدین و سیدمحمدجواد قربی (۱۳۹۲)، «الهام‌بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، پائیز و زمستان، شماره ۹.
- ۴۰- مهدوی، اصغرآقا و مهدی نادری باب اناری (۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، پائیز و زمستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
- ۴۱- نای، جوزف و فیلیپ زلیکو (۱۳۸۹)، فرسایش قدرت نرم؛ مردم، دولت‌ها و اعتماد، ترجمه سعید میرترابی، تهران، دانشگاه امام صادق^(ع).
- ۴۲- هرسیچ، حسین و دیگران (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، بهار، شماره ۲.

- ۴۳- هزارجریبی، جعفر و نوذر امین صارمی (۱۳۸۹)، «جنش‌های اجتماعی به مثابه قدرت نرم»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، پائیز، شماره‌ی ۳.
- ۴۴- یزدانی، عنایت‌الله و جمیل اخجسته (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، تابستان، شماره‌ی ۳.

انگلیسی

- 45- Nye, Joseph (2004), *Soft Power: The Means to Success in Politics*, New York: Public Affairs.